Journal of Fiqh and Usul



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir
Vol. 54, No. 3: Issue 130, Autumn 2022, p.77-95

Online ISSN: 2538-3892
Print ISSN: 2008-9139



Receive Date: 06-09-2020 Revise Date: 21-06-2021 Accept Date: 27-06-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.62648.0

Article type: Original

The Effect of Dangerous Contagious Diseases on the Ability and Acts and Rituals of Hajj

Mahdi Sajedi, Ph.D., Assistant Professor, University of Quran and Hadith (Corresponding Author)
Email: mehdisajedi85@yahoo.com
Hesam al-Din Rabbani, Ph.D., Assistant Professor, University of Quran and Hadith

Abstract

In this paper, the effect of dangerous contagious diseases on the ability and acts and rituals of Hajj is studied. This library research concludes that if the contagious disease is dangerous and deprives the affected person from the opportunity to perform the rituals until the last possible time, he would lose the ability and in the case that his financial ability remains, he should take action in the next year. However, if he is healthy and is afraid of contracting a contagious disease existing in Saudi Arabia, if the conjecture of contracting the disease is strong and rational, the fear of contracting the disease prevents the obligation of Hajj and in case he knows or it seems strongly probable to him that preventive and appropriate measures will be taken against the spread of the disease in Saudi Arabia, such a fear does not prevent the obligation of Hajj. In that case, if, despite precautionary and preventive measures, he contacts a contagious disease and at the same time, following a physician's instructions, he is able to complete his acts and rituals before the time expires, even if he confines himself to performing the minimum obligations and rituals, his Hajj is sufficient (Mujzi). Otherwise, illness and failure to perform the acts indicate his inability in that year.

Keywords: Ability, Health, Hajj, Contagious Disease, Fear

Journal of Fiqh and Usul



فقه و اصول

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir

سال ۵۴ - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۳۰ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۹۵ - ۷۷

شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۲۵۳۸

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۰۶/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۰۴/۰۶

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.62648.0

نوع مقاله :پژوهشی

تأثیر بیماری‌های مسری خطرناک بر استطاعت و اعمال و مناسک حج

دکتر مهدی ساجدی(نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Email: mehdisajedi85@yahoo.com

دکتر حسام الدین ربانی

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

چکیده

در این جستار، تأثیر بیماری‌های مسری بر استطاعت و اعمال و مناسک حج بررسی می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش با روش کتابخانه‌ای عبارت است از اینکه بیماری مسری چنانچه خطرناک باشد و فرصت ادای مناسک را تا آخرین زمانِ ممکن از فرد مبتلا سلب کند، وي از استطاعت خارج می‌شود و درصورتی‌که توانايي مالي او باقی باشد، در سال جدید باید اقدام کند. اما اگر از سلامت جسمی برخوردار و از ابتلای به بیماری مسریِ موجود در سرزمین عربستان خائف است، درصورتی‌که ظن ابتلا به بیماری، قوی و عقلایی باشد، خوف از ابتلا مانع وجوب حج می‌شود و درصورتی‌که بداند یا احتمال قوی دهد در عربستان، اقدامات پیشگیرانه و صحیح از سرایت بیماری صورت می‌گیرد، خوف مزبور مانع وجوب حج نیست. در این فرض، چنانچه باوجود اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه، به بیماری مسری مبتلا شود و در عین حال بتواند قبل از گذشت زمان با رعایت دستور پزشک، اعمال و مناسک خود را ولو با اکتفا به اقل واجبات و ارکان به اتمام رساند، حج او مجزی است، وگرنه بیماری و عدم امکان ادای اعمال، کاشف از عدم استطاعت او در آن سال است.

واژگان کلیدی: استطاعت، سلامتی، حج، بیماری مسری، خوف.

مقدمه

امروزه که دنیا با بیماری مسری و خطرناک کوید ۱۹ درگیر شده، انجام عبادات و مناسک معنوی مسلمانان و ازجمله مناسک و اعمال عبادی حجِ تمتع نیز دستخوش تغییر شده است، تاآنجاکه دولت عربستان تصمیم گرفت تا در سال جاری مراسم حج را با تعداد محدودی از زائران از کشور خود برگزار کند. اما بااین‌وجود و به‌خصوص در فرض ادامه‌داربودن این بیماری در دنیا و احتمال سرایت بالای آن و نبود واکسن و درمان خاص برای آن تا زمانی مشخص، مسئلهٔ استطاعت و انجام مناسک حج را با ابهاماتی روبه‌رو ساخته است.

روشن است با تحقق استطاعت و فراهم‌شدن شرایط وجوب، فریضهٔ حج برعهدهٔ مکلف قرار می‌گیرد و وی موظف است برای تهیهٔ مقدمات سفر و اموری که انجام این فریضه را برایش میسّر می‌کند، اقدام کند. اما استطاعتی که موضوع وجوب حج است، مفهومی شرعی است که شامل توانایی مکلف در هر دو جنبهٔ مالی و بدنی است (صاحب‌جواهر، ۲۵۱/۱۷؛ محقق سبزواری، ۵۶۶/۲؛ اصفهانی، حاشیه العروة الوثقی، ۳۹۷/۴؛ مغنیه، ۱۳۰/۲؛ زین‌الدین، ۳۴/۳؛ صافی گلپایگانی، ۸۵/۱)؛ بدین معنا که شرعاً در صورتی بر مکلف، مستطیع صدق می‌کند که وی بتواند از عهدهٔ مخارج حج برآید و نیز ازنظرِ جسمی از مقداری از توان برخوردار باشد که بتواند اعمال و مناسک حج را انجام دهد.

در نوشتار حاضر، بخش دوم استطاعت؛ یعنی سلامتی و توانایی جسمی محل بحث است. به‌عبارت‌دیگر، باتوجه‌به شرایط موجود کنونی در جهان و احتمال ابتلا به این بیماری مسری و خطرناک، این سؤال مطرح می‌شود که در چه فرضی مکلف ازنظرِ بدنی مستطیع خواهد بود؟ آیا خوف از ابتلا به این بیماری سبب سقوط حج از عهدهٔ مکلف است؟ آیا اگر فرضاً در سال‌های آینده عربستان بتواند سلامتی حجاج را به‌طور نسبی تأمین کند، ولی درعین‌حال همچنان خوف ابتلا به این بیماری وجود داشته باشد، وجوب حج برعهدهٔ افراد سالم قرار می‌گیرد یا چنین خوفی تا زمانی که راه‌حل قطعی درمان کشف نشود مانع از تحقق استطاعت است؟ همچنین اگر فردی قبل از سفر به عربستان به این بیماری مبتلا شود، وضعیت استطاعت و وجوب حج بر وی چگونه خواهد بود؟ علاوه بر این، چنانچه در عربستان به این بیماری مبتلا شود، چگونه باید اعمال و مناسک خود را به جا آورد؟

درنهایت نیز این سؤال مطرح است که افرادی که گرچه به‌طور محدود به حج مشرّف می‌شوند، اعمال خود را باید به چه صورت انجام دهند که هم از خطر ابتلا در امان بمانند و هم به‌طور کامل به وظیفهٔ شرعی خود عمل کرده باشند؟

قبل از پاسخ به پرسش‌های مذکور، مناسب است استطاعت را از منظر شارع واکاوی کنیم.

۱. تفسیر استطاعت شرعی

أ. قرآن: مطابق با آیهٔ شریفهٔ «...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...»(آل عمران: ۹۷) و باتوجه‌به اینکه کلمهٔ سَبِيلًا، تمیز برای فعل اسْتَطاعَ است و منظور از آن را مشخص می‌کند (طباطبایی، ۳۵۵/۳)؛ هرکس توان و استطاعت لازم در پیمایش مسیر و رسیدن به مکه و انجام اعمال و مناسک حج را دارا باشد، حج بر او واجب است. به‌عبارت‌دیگر، فعل استطاع در آیهٔ شریفهٔ فوق، اطلاق دارد و شامل توان مالی و توان جسمی، چه در مرحلهٔ طی مسیر و چه در مرحلهٔ انجام اعمال و مناسک حج می‌شود. بنابراین، زمانی بر فردِ مکلف، مستطیع صدق می‌کند که بتواند از ابتدا با سلامتی لازم برای انجام اعمال و مناسک عمره و حج به‌سمت سرزمین وحی حرکت کند، همچنین پس از رسیدن به عربستان در زمان انجام اعمال عمره و سپس اعمال حج که از روز نهم ذی‌الحجه شروع می‌شود، از سلامتی کامل برای ادای وظایف خود برخوردار باشد.

بنابراین، مستفاد از اطلاق آیهٔ مذکور این است که اگر از ابتدای حرکت به‌سمت عربستان دچار بیماری شود، باتوجه‌به عدم‌امکان اعزام وی به مکه در زمان بیماری، وجوب حج برعهدهٔ وی، بر آخرین زمان امکان اعزام معلق می‌شود؛ یعنی زمانی که بهبودیِ کامل یافته و خطر ابتلای دیگر حجاج نیز وجود نداشته و اعزام وی نیز به عربستان امکان داشته باشد. در این فرض اگر تا آخرین لحظه، بهبودی یافت و امکان اعزام ایمن او نیز فراهم شود، همچنان استطاعت و وجوب حج برعهده‌اش باقی است، اما اگر تا آخرین زمانِ اعزام، بهبودی نیابد یا پس از بهبودی، شرایط اعزام ایمن برای چنین فردی مهیا نشود، کاشف از این خواهد بود که استطاعت در آن سال برای وی محقق نشده است. در این صورت، تعلق وجوب حج برعهدهٔ وی مشروط به تحقق استطاعت در سال آینده خواهد بود.

اطلاق آیه نیز بر لزوم داشتن توان و سلامت جسمی برای انجام اعمال در زمان مختص به آن دلالت دارد، ازاین‌رو اگر در سرزمین وحی به بیماری مبتلا شود و امکان بستری‌شدن و اقامت وی در آنجا وجود داشته باشد، وجوب حج برعهدهٔ او متوقف بر بازیابی سلامتی قبل از ضیق وقت برای انجام اعمال و مناسک حج است.

ب. روایات: روایات پرداخته‌شده به مسئلهٔ استطاعت، به شرح زیر است:

۱. روایت صحیح صفوان‌بن‌یحیی از ذَریح[1] از امام صادق(ع): أَبُوعَلِیٍ‌الْأَشْعَرِی عَنْ مُحَمَّدْبنِ‌عَبْدِالْجَبَّارِ

---

۱. محقق خویی به‌نقل از نجاشی، ابوعلی اشعری را ثقه و فقیه بین اصحاب و کثیر الروایة معرفی کرده است (معجم رجال الحدیث، ٤٦/٢). شیخ طوسی، محمدبن‌عبدالجباربن‌ابی‌الصهبان را ثقه دانسته است (رجال الشیخ الطوسی-الابواب، ۳۹۲). علامه حلی به‌نقل از شیخ طوسی، صفوان‌بن‌یحیی را اوثق افراد زمانش دانسته است. وی از اصحاب اجماع شمرده شده است (رجال العلامة-خلاصة الاقوال، ۸۹). شیخ طوسی، ذریح المحاربی را ثقه و دارای اصل دانسته

عَنْ صَفْوَانَ‌بنِ‌یحْیى عَنْ ذَرِیحٍ‌الْمُحَارِبِی عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ یمْنَعْهُ مِنْ ذَلِک حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا یطِیقُ فِیهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ یمْنَعُهُ فَلْیمُتْ یهُودِیاً أَوْ نَصْرَانِیاً» (کلینی، ٢٦٨/٤)؛ حضرت فرمودند: «هرکس که بمیرد درحالی‌که حج واجب (حجة الاسلام) را انجام نداده باشد، درحالی‌که حاجتی نداشته که مانع از انجام حج شود یا مریضی نداشته که سبب شود توان انجام اعمال از او سلب شود یا حاکمی نبوده که از انجام حج توسط او ممانعت ورزد، به او گفته می‌شود باید به آیین یهودی یا نصرانی بمیرد (مسلمان از دنیا نمی‌رود.)»

۲. روایت صحیح معاویةبن‌عمار[1] از امام صادق(ع): مُحَمَّدُبْنُ‌الْحَسَنِ‌الطُّوسِی رَضِی‌اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَینِ‌بنِ‌سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَةَبْنِ‌أَیوبَ عَنْ مُعَاوِیةَبْنِ‌عَمَّارٍ عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیهِ سَبِیلًا. قَالَ: هَذِهِ لِمَنْ کانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَ صِحَّةٌ وَ إِنْ کانَ سَوَّفَهُ لِلتِّجَارَةِ فَلَایسَعُهُ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِک فَقَدْ تَرَک شَرِیعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ یجِدُ مَا یحُجُّ بِهِ الْحَدِیثَ» (حر عاملی، ٢٥/١١)؛ حضرت فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: و از ناحیهٔ خدا برعهدهٔ مردم تکلیفِ انجام حج خانه‌اش است، برای کسی که توان راه‌یابی به حج را داشته باشد. این آیه برای کسی است که از مال و صحت و سلامتی برخوردار است و اگر انجام حج را به‌دلیل تجارت تأخیر اندازد، معذور نیست و اگر درحالی‌که حج را انجام نداده بمیرد، دستوری را از دستورات اسلام ترک کرده، چنانچه اسباب حج برایش فراهم باشد.»

۳. روایت حسنه هشام‌بن‌حکم[2] از امام صادق(ع): «وَ فِی کتَابِ التَّوْحِیدِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِی‌بنِ‌ابرَاهِیمَ‌بنِ‌هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِبنِ‌أَبِی‌عُمَیرٍ عَنْ هِشَامِ‌بنِ‌الْحَکمِ عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) فِی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیهِ سَبِیلًا. مَا یعْنِی بِذَلِک؟ قَالَ: مَنْ کانَ صَحِیحاً فِی بَدَنِهِ مُخَلًّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ» (همان، ٣٥)؛ از حضرت دربارهٔ آیهٔ شریفهٔ «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیهِ سَبِیلًا» سؤال شد که مقصود خداوند متعال از آن چیست؟ حضرت فرمودند: «هرکس از صحت بدنی برخوردار باشد و مسیرِ رفتن به حج برای او خالی از هرگونه مانع بوده و زاد و توشه و مرکب

است (الفهرست، ٧٠).

۱. حسین‌بن‌سعید اهوازی، فقیهی ثقه و جلیل القدر و از اصحاب امام رضا(ع) بوده است (مرتضوی لنگرودی، الدر النضید، ٧٤/١)؛ نجاشی، فضالة‌بن‌ایوب ازدی را ثقه در حدیث و دارای استقامت در دین‌داری معرفی کرده است. همچنین وی، معاویةبن‌عماربن‌ابی‌معاویه را فردی سرشناس، ثقه و دارای شأن و مقام بالا در بین اصحاب دانسته است (نجاشی، رجال النجاشی، ۳۱۰تا٤١٢).

۲. نجاشی، علی‌بن‌ابراهیم را از روانی دانسته است که ثقه در گفتار، مورد اعتماد و دارای مذهب صحیح است (نجاشی، رجال النجاشی، ٢٦٠). سیدبحرالعلوم معتقد است پدر ایشان، ابراهیم‌بن‌هاشم، از اصحاب امام رضا(ع) و امام جواد(ع) و فردی کثیر الروایة، سدید النقل و مقبول الحدیث است (بحرالعلوم، الفوائد الرجالیة، ٤٣٩/١). ابن‌ابی‌عمیر از اصحاب اجماع است و هشام‌بن‌حکم در جلالتش هیچ اختلافی نیست (حلی، رجال داوود، ٣٨٤ و ٥٢٥).

سفر را داشته باشد.»

مطابق با روایات مذکور، در تفسیر آیهٔ شریفه که همگی از سند صحیحی برخوردارند، استطاعت بر اموری متوقف است؛ ازقبیل دارابودن مال برای مخارج سفر و ادارهٔ زندگی، سلامتی و تندرستی به‌منظور قدرت‌داشتن بر پیمایش مسیر و انجام اعمال و خالی‌بودن مسیر از مانع به‌معنای اطمینان خاطر از امنیت و سلامت سفر. اگر هرکدام از این امور محقق نباشد، فریضهٔ حج برعهدهٔ مکلف قرار نمی‌گیرد. اما بعد از اینکه مکلف چنین استطاعتی برایش حاصل شد، باید به این سفر اقدام کند و تهیهٔ مقدمات سفر مانند تهیهٔ وسایل لازم برای سفر، تهیهٔ مرکب، اخذ گذرنامه و روادید، پرداخت عوارض و مانند این‌ها بر او واجب می‌شود. گفتنی است هرگاه نتواند هریک از این مقدمات را قبل از اتمام فرصتِ انجام عمرهٔ تمتع و درک حج فراهم کند (بدون تقصیر)، در آن سال حج از او ساقط است و وجوب حج در سال آینده متوقف بر بقای استطاعت و امکان تهیهٔ مقدمات در آن سال خواهد بود.

البته مستفاد از روایت اول و از عبارت «مَرَضٌ لَا یطِیقُ فِیهِ الْحَجَّ» این است که مرض یا بیماری در صورتی مانع از تحقق استطاعت است که مستدام باشد و در حالت مریضی، توان انجام اعمال و مناسک حج از مکلف سلب شود، ازاین‌رو ابتلا به بیماری کوید ۱۹ در صورتی مانع از تحقق استطاعت است که اولاً در مرحلهٔ حاد و مستلزم بستری یا استراحت در محیط خاص باشد؛ ثانیاً سبب سلب امکان اعزام مکلف به مکه و سلب امکان انجام اعمال و مناسک حج شود.

بنابراین، اگر مکلف قبل از اعزام به این بیماری مبتلا شود اما بیماری شدت نداشته و نیازمند بستری و درمان نباشد یا تا آخرین زمانی که امکان اعزام ایمن برای او وجود دارد، سلامتی خود را بازیابد؛ ابتلا به بیماری مانع از تحقق استطاعت نیست. بله، اگر به گونهٔ خفیفِ این بیماری مبتلا شود، صرف ابتلا مانع از انجام اعمال و مناسک در خصوص وی نیست؛ اما ازآنجاکه خطر ابتلای دیگران به‌واسطهٔ سرایت بیماری از وی به سایر وجود دارد، این‌گونه ابتلا نیز مانع از تحقق استطاعت است (نراقی، ۶۴/۱۱). البته در این فرض، علت عدم‌وجوب حج، تحقق‌نیافتن استطاعت سربی است؛ بدین معنا که عنوان «تخلیة السرب»[۱] که از فقرهٔ «مخلی سربه» در روایت مذکور گرفته شده است، بر وی صادق نیست، چه اینکه مانع گاهی خارجی و گاهی داخلی است و در اینجا مانع از سیر و رفتن به مکه، بیماری‌ای است که امکان سرایت به دیگران دربارهٔ آن بسیار قوی است.

ممکن است گفته شود بیماری که برای دیگران خطرناک است، چگونه مقوّم استطاعت فرد به شمار

۱. منظور از استطاعت سربی این است که در طریق حج، مانعی نباشد که باوجود آن مانع، رسیدن به میقات یا انجام تمام و کمال اعمال ممکن نباشد (سبحانی، ۲۹۱/۱).

می‌رود؟

در پاسخ می‌توان گفت: وقتی حضور شخص بیمار، سبب ضرر و خطر برای دیگران است، عنوان حرمت بر آن مترتب می‌شود و شرعاً نمی‌تواند اقدام به حج کند و بیماری مانع از وجوب حج می‌شود و فقها نیز تصریح کرده‌اند که مانع شرعی مانند مانع عقلی و حسی و بلکه اقویٰ از آن است (موسوی عاملی، ۱۰۰/۷ و ۲۴۷/۲).

البته باید توجه داشت صرف مسری‌بودن بیماری، مانع به شمار نمی‌رود، بلکه بیماری مسری مانند کوید ۱۹ به‌دلیل خصوصیاتی که دارد مانع از سیر است؛ زیرا بیماری‌های دیگری مانند سرماخوردگی نیز وجود دارد که از قضا شایع و مسری نیز است، اما در فرض سرایت، مانع از انجام مناسک نیست و خطر ازبین‌رفتن جان شخص یا دیگران نیز در خصوص آن‌ها وجود ندارد، لکن این نوع بیماری به‌دلیل اینکه ممکن است با سرایت، سبب ابتلای حاد فرد دیگر شود و ازطرفی تا این زمان دارو و درمان قطعی ندارد، سرایت چه‌بسا ممکن است خطر مرگ دیگری را به‌همراه داشته باشد. بنابراین، مسری‌بودن این بیماری به‌علاوه خطرناک‌بودن و نبود راه درمان برای آن، مانع از اعزام و سیر مکلف به حج است.

۲. خوف ابتلا به بیماری و تأثیر آن بر وجوب و استطاعت

آنچه تاکنون بحث شد، فرض ابتلا به بیماری مسری خطرناکی چون کوید ۱۹ قبل از سفر و اعزام به مکه یا بعد از اعزام و ابتلا به بیماری در سرزمین وحی بود، اما اگر فردی که همهٔ شرایط استطاعت برایش مهیا شده است از ابتلا به این بیماری مهلک در مکه و سرزمین وحی خائف باشد، باز هم انجام حج بر او واجب است یا خوف از ابتلا، مانع از تعلق وجوب حج برعهدهٔ مکلف است؟

در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد ابتدا باید بین خوفی که منشأ عقلایی دارد با خوفی که موهوم است تفصیل قائل شد؛ بدین معنا که اگر مکلف بداند یا ظن قوی داشته باشد به اینکه در عربستان دستورالعمل‌های بهداشتی برای حفظ جان حجاج اجرا نمی‌شود یا در فرض اجرا، پایبندی آن‌چنانی به این دستورات وجود ندارد یا مقدار زیاد جمعیت حجاج مانع از اجرای این دستورات است و درنتیجه خطر ابتلا به این بیماری خطرناک و مسری، جدی و مدّنظرِ عقلاست، قطعاً چنین خوفی مانع از تعلق وجوب حج برعهدهٔ مکلف است (یزدی، ۴۲۰/۴)؛ چراکه فرقی بین خوف خطر جانیِ ناشی از عدم‌امنیت مسیر و خوف خطر جانیِ ناشی از ابتلا به بیماری خطرناک وجود ندارد و در هر دو فرض، امنیت جانی و سلامت که شرط تحقق استطاعت سربی است، محقق نیست.

بله، اگر خوف جانی ناشی از مراعات‌نکردن دستورات بهداشتی وجود ندارد و اجرای مناسک و اعمال

عبادی و اسکان حجاج همراه با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی است، به‌گونه‌ای که با فرض رعایت این دستورات، احتمال ابتلا بسیار اندک خواهد بود، خوف از جان و ابتلا به بیماری، خوف موهوم به شمار می‌رود و از دید عقلا چنین خوفی رافع تکلیف نیست. نظیر این خوف نیز در روایات، مانع از وجوب حج به شمار نرفته است. چنان‌که در دو روایت ذیل، از حکم زنی سؤال شده که درصدد است بدون همراهی محرم به سفر حج واجب مبادرت ورزد و درعین‌حال از مسافرت بدون همراه خائف است، اما امام(ع) قطع و اطمینان و حتی ظن به سلامت بدون همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد و صرفاً با علم به همراه‌بودن در سفر با کاروان متشکل از جمعی از مؤمنانِ معتمد را برای وجوب حج کافی دانسته‌اند. این دو روایت به قرار ذیل است:

۱. روایت صحیح معاویةبن‌عمار از امام صادق(ع): «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(ع) عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُ إِلَی مَکةَ بِغَیرِ وَلِی؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ» (کلینی، ۲۸۲/۲؛ ابن‌بابویه، الفقیه، ۴۳۸/۲)؛ از حضرت دربارۀ زنی سؤال کردم که قصد دارد بدون همراهی ولی‌اش برای انجام حج به مکه برود، حضرت فرمودند: اشکالی ندارد، می‌تواند با گروهی از افراد معتمد به مکه رود.

۲. روایت صحیح عبدالرحمن‌بن‌حجاج از امام صادق(ع): «عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَیرِ مَحْرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا کانَتْ مَأْمُونَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَی مَحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِک» (حر عاملی، ۱٥٤/۱۱)؛ از حضرت دربارۀ زنی سؤال کردم که بدون همراهی محرم می‌خواهد اقدام به حج کند. فرمودند: اگر از ایمنی برخوردار است و درعین‌حال قادر بر همراه‌کردن محرمی با خود نیست، اشکالی ندارد.

مستفاد از این دو روایت این است که اگر اطمینان خاطر به امنیت و حفظ جان یا آبرو برای مکلف وجود داشته باشد، وی موظف به ادای مناسک حج است. منشأ خوف از خطر جانی یا در معرض خطربودن عرض و آبرو در این دو روایت، نبودِ همراه برای حج‌گزار است؛ اما ممکن است گفته شود اطلاق دو روایت حاکی از این است که منشأ خوف، تأثیری بر وجوب حج ندارد؛ بدین معنا که اگر فردی که سالم است از ابتلا به بیماری در مکه و سرزمین وحی خائف باشد، اما وثوق و اطمینانی برای وی در خصوص سالم‌ماندن از خطر ابتلا به بیماری وجود داشته باشد، به اینکه بداند دستورالعمل‌های بهداشتی برای جلوگیری از شیوع و سرایت این بیماری به‌طور جدی در مکه و مشاعر حج اجرا می‌شود، این اطمینان برای حکم به وجوب ادای مناسک حج و عمره کافی است.

البته آنچه مسئلۀ اخیر را ساده و راحت می‌کند این است که مسئولان حج در عربستان و دیگر کشورها بر اساس برآوردهای دقیق علمی و تحت‌نظر سازمان‌های بین‌المللی، میزان ریسک‌پذیری را به‌صورت نوعی تشخیص می‌دهند و تصمیم کلی دربارۀ تعطیلی یا اجرای مناسک و ترتیبات و محدودیت‌های آن اتخاذ

می‌کنند، اما بااین‌وجود، معیار سنجش، تشخیصِ خود مکلف است و البته تصمیمات و رعایت ضوابط سفر ایمن توسط دولت عربستان تأثیر بسزایی در روشن‌شدن وضعیت برای شخص مکلف دارد.

۳. ابتلا به بیماری پس از اعزام به عمره و حج تمتع

درصورتی‌که مکلف با احراز شرایط استطاعت، اقدام به سفر حج کند، اما در سرزمین وحی مبتلا به بیماری مسری و خطرناکی مثل کوید ۱۹ شود، این ابتلا در چند فرض درخورِ بررسی است:

۳. ۱. ابتلا به بیماری در میقات

در این فرض یا مکلف به‌طور خفیف به بیماری مبتلا شده و نیاز به بستری‌شدن ندارد یا دچار نوع حاد بیماری شده و الزاماً باید در مکه بستری شود. در فرض اول، ابتلا به بیماری مانع از انجام اعمال عمره و سپس حج نیست، به‌خصوص اگر زمان دو هفته یا بیشتر بین ابتلا و شروع اعمال و مناسک حج فاصله شود، چه اینکه به گفتهٔ غالب کارشناسان پزشکی، فرد مبتلا به بیماری، پس از استراحت دوهفته‌ای بهبودی کامل می‌یابد، لکن ازآنجاکه احتمال سرایت این بیماری به دیگران بسیار قوی است، بیماری مانع از حضور وی در مسجدالحرام یا مشاعر حج می‌شود. در این صورت، با فرض عدم‌ضیق وقت، برای انجام عمرهٔ تمتع پس از حصول بهبودی اقدام می‌کند. در فرض دوم نیز ابتلا به بیماری مانع از انجام اعمال عمرهٔ تمتع است و مکلف باید پس از بازیافت سلامتی، به انجام عمرهٔ تمتع و سپس حج اقدام کند.

بنابراین، در هر دو فرض چنانچه مکلف در میقات مُحرم و پس از آن متوجه ابتلا به بیماری شود، انجام اعمال عمره تا زمان بهبودی و اطمینان از ناقل‌نبودن و سرایت‌نکردن بیماری به دیگران به تأخیر می‌افتد.

اما اگر پس از بهبودی، فرصت برای انجام اعمال عمرهٔ تمتع ضیق باشد، همهٔ فقها معتقدند باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و با همان احرام به‌سمت عرفات برود و پس از انجام مناسک حج، عمره را به جا آورد (صاحب‌جواهر، ۳۰/۱۸). اما محل اختلاف این است که چه زمانی فرصت برای انجام عمرهٔ تمتع ضیق می‌شود. علت اختلاف نیز اختلاف نصوص در این زمینه است. بر اساس روایاتی که غالباً سند صحیحی دارند،[۱] پنج نظریهٔ مهم از فقها در ارتباط با ملاک ضیق وقت وجود دارد که عبارت‌اند از: غروب

---

۱. متن روایات به‌ترتیب به شرح زیر است:

۱. أَحْمَدْبنُ‌مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ‌فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ‌بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَأَلَ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(ع) عَنِ الْمُتْعَةِ مَتَى تَكُونُ؟ قَالَ: «يَتَمَتَّعُ مَا ظَنَّ أَنَّهُ يُدْرِكُ النَّاسَ بِمِنًى» (کلینی، ۴۴۴/۴).

۲. عَلِيّ‌بْنُ‌إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيل‌بن‌مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ يَعْقُوب‌بْنِ‌شُعَيْبٍ الْمِيثَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(ع) يَقُولُ: «لَابَأْسَ لِلْمُتَمَتِّعِ إِنْ لَمْ يُحْرِمْ مِنْ لَيْلَةِ التَّرْوِيَةِ مَتَى مَا تَيَسَّرَ لَهُ مَا لَمْ يَخَفْ فَوْتَ الْمَوْقِفَيْنِ» (همان).

۳. مُوسَى‌بْنُ‌الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ‌أَبِي‌عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: «الْمُتَمَتِّعُ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَا أَدْرَكَ النَّاسَ بِمِنًى» (طوسی، ۱۶۶/۵).

یوم الترویة (ابن‌بابویه، المقنع، ۸۵)، زوال روز عرفه (طوسی، ۳۶۴/۱)، خوف فوت وقوف اختیاری عرفه (شهید اول، ۳۳۵/۱)، خوف فوت رکنی وقوف اختیاری عرفه (علامه حلی، ۲۱۹/۴) و خوف فوت اضطراری عرفه (ابن‌ادریس، ۵۸۲/۱). ازاین‌رو، برای داوری صحیح لازم است روایات مستند را بررسی کنیم. این روایات به شرح زیر است:

۱. روایت مرسلهٔ ابن‌بکیر از امام صادق(ع): از امام صادق(ع) سؤال شد که فرصت انجام عمرهٔ تمتع تا چه زمانی است؟ فرمودند: عمرهٔ تمتع را می‌تواند تا زمانی که گمان دارد به جمع مردم در منا می‌رسد، انجام دهد.

۲. روایت یعقوب‌بن‌شعیب از امام صادق(ع): از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمایند: ایرادی ندارد که متمتع اگر از شب هشتم ذی‌الحجه محرم نشده است، هر زمان که بتواند مادامی که نترسد وقوف در عرفات و مشعر را از دست بدهد، محرم شود.

۳. روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع): حلبی از امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند که حضرت فرمودند: متمتع می‌تواند طواف و سعی انجام دهد، مادامی‌که بتواند به جمع مردم در منا برسد.

۴. روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع): از حضرت دربارهٔ کسی سؤال کردم که نیت انجام هر دو حج و عمره را دارد، سپس (برای انجام عمرهٔ تمتع) به مکه آمده است، درحالی‌که مردم در عرفات‌اند و می‌ترسد اگر طواف و سعی را انجام دهد به وقوف در عرفات نرسد؟ حضرت فرمودند: عمره را رها کند، هرگاه حج را انجام داد، همانند عایشه اعمالش را انجام دهد (نیت حج افراد کند) و قربانی برعهدهٔ او نیست.

۵. روایت صحیح جمیل از امام صادق(ع): حضرت فرمودند: متمتع می‌تواند تا ظهر روز عرفه، عمرهٔ تمتع را انجام دهد و تا ظهر روز عید قربان فرصت برای انجام حج دارد.

۶. روایت صحیح عیص‌بن‌قاسم از امام صادق(ع): از حضرت دربارهٔ متمتعی سؤال کردم که یوم الترویة هنگام نماز عصر وارد مکه می‌شود، آیا عمرهٔ تمتع او فوت شده است؟ فرمودند: نه، او می‌تواند

---

۴. ابنُ‌أَبِي‌عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(ع) عَنْ رَجُلٍ أَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ جَمِيعاً ثُمَّ قَدِمَ مَكَّةَ وَ النَّاسُ بِعَرَفَاتٍ فَخَشِيَ إِنْ هُوَ طَافَ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَوْقِفُ؟ فَقَالَ: يَدَعُ الْعُمْرَةَ فَإِذَا أَتَمَّ حَجَّهُ صَنَعَ كَمَا صَنَعَتْ عَائِشَةُ وَ لَا هَدْيَ عَلَيْهِ (همان، ۱۷۴).

۵. سَعْدُبْنُ‌عَبْدِاللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِبنِ‌عِيسَى عَنِ‌ابْنِ‌أَبِي‌عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ‌بْنِ‌دَرَّاجٍ عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: الْمُتَمَتِّعُ لَهُ الْمُتْعَةُ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ وَ لَهُ الْحَجُّ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ (همان، ۱۷۱).

۶. وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ‌بنِ‌الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ(ع) عَنِ الْمُتَمَتِّعِ يَقْدَمُ مَكَّةَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ صَلَاةَ الْعَصْرِ تَفُوتُهُ الْمُتْعَةُ فَقَالَ لَا لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ غُرُوبِ الشَّمْسِ... (حر عاملی، ۲۹۴/۱۱).

۷. مُوسَی‌بنُ‌الْقَاسِمِ عَنْ حَسَنٍ عَنْ عَلَاءِبنِ‌رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِبنِ‌مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي‌عَبْدِاللَّهِ(ع): إِلَى مَتَى يَكُونُ لِلْحَاجِّ عُمْرَةٌ؟ قَالَ: إِلَى السَّحَرِ مِنْ لَيْلَةِ عَرَفَةَ (همان، ۲۹۳).

مابین عصر تا غروب آفتاب عمره‌اش را انجام دهد.

۷. روایت صحیح مسلم از امام صادق(ع): به حضرت گفتم: تا چه زمانی حاجی می‌تواند عمرهٔ تمتع را انجام دهد؟ فرمودند: تا سحر شب عرفه.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی از فقها نیز اشاره کرده‌اند (صاحب‌جواهر، ۳۵/۱۸)، اختلاف زمان‌های بیان‌شده در روایات به‌دلیل اختلاف احوال افراد در رسیدن به عرفات است، زیرا چه‌بسا فردی اگر با سایر مردم به منا نرود نتواند عرفه را درک کند و دیگری حتی اگر ظهر روز عرفه نیز از مکه خارج شود بتواند خود را به عرفات برساند. بااین‌وجود، به نظر می‌رسد روایت صحیح جمیل بهترین مستند ازنظرِ دلالت بر حکم به شمار می‌رود و بر این اساس باید گفت: مطابق با آن، نهایت وقت انجام عمرهٔ تمتع، ظهر روز عرفه است و متمتع باید وقوف اختیاری در عرفات را کاملاً درک کند.

البته اگر به اطلاقاتی که بیان می‌کند متمتع نمی‌تواند به حج افراد عدول کند، توجه کنیم، باید گفت: از این اطلاقات، فقط کسی که اصلاً وقوف در عرفات را درک نمی‌کند، خارج می‌شود. در این صورت، سایر موارد ازجمله کسی که بخشی از عرفات را درک می‌کند، در این اطلاقات باقی می‌ماند و چنین کسی حق عدول به حج افراد را ندارد. به نظر می‌رسد قول صحیح در مسئله این است که نهایت زمان انجام عمرهٔ تمتع وقتی است که متمتع بتواند وقوف اختیاری رکنی عرفات یا همان مسمای وقوف را درک کند (سبحانی، ۴۳۶/۲).

اگر تا فرارسیدن زمان حج، بهبودی کامل نیابد؛ به‌طوری‌که بتواند وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات را درک کند، پس از بهبودی کامل باید به ادای عمره بپردازد و طواف نساء و نماز آن را نیز به جا آورد. در واقع چنین فردی موفق به انجام حج نشده و حدوث بیماری کاشف از تحقق‌نیافتن استطاعت و عدم‌وجوب حج برعهدهٔ وی در آن سال است.

البته فرض دیگری هم متصور است، هرچند ممکن است به‌ندرت اتفاق افتد؛ به این صورت که مکلف پس از احرام در میقات، متوجه ابتلا به بیماری مسری از نوع حاد آن شود و شرایط‌اش به‌گونه‌ای وخیم باشد که امکان رفتن به مکه برایش فراهم نباشد و لازم باشد در جده یا مدینه بستری یا به ایران بازگردانده شود. به نظر می‌رسد در چنین فرضی اگر مکلف به‌هیچ‌وجه امکان و زمان انجام عمره را ندارد، محصور[۱] به شمار آید و باید به وظیفهٔ محصور عمل کند و از احرام خارج شود (مظاهری، ۵۲۷). اما اگر امید فراوانی به حصول بهبودی او وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که بتواند در فرصت مقرّر، عمرهٔ تمتع یا حج افراد را به جا آورد، تا

۱. محصور آن است که به‌سبب بیماری، از عمره یا حج ممنوع شود (مظاهری، ۵۲۱).

زمانی که سلامتی خود را بازیابد و بتواند به مکه رود و عمرۀ تمتع را انجام دهد یا بـه عرفـات رود و اعمـال حج را شروع کند، در احرام می‌ماند.

بله، ممکن است در فرضی که بقای در احرام سبب عسروحرج برای وی شود، گفته شود: چنین فـردی به محصور ملحق می‌شود.

سؤالی که ممکن است در این مجال نیز طرح شود این است که چنانچه فردی در میقات از ابتلای خود به بیماری اطلاع یابد و از طرفی بداند تا زمان حصول بهبودی فرصت برای انجام اعمـال عمـره نـدارد، آیـا می‌تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود؟ کلمات و آرای فقها در این خصوص مختلف است، اما عمدۀ نظرات که در بحث عدول ابتدایی بانوی مبتلا به قاعدگی در میقات بحث شده است را می‌توان حـول دو محور پذیرش و نپذیرفتن عدول ابتدایی دانست.

أ. پذیرش عدول ابتدایی: از طرفداران این نظریه می‌توان از محقق یزدی نام بـرد. ایشـان، جـواز عـدول ابتدایی را بعید ندانسته است (۶۲۶/۴).

محقق آملی نیز بعد از بیان یک سری اشکال و جواب در این خصوص، قول به جواز عـدول ابتـدایی را پذیرفته و معتقد شده است که جواز عدول ابتدایی به این دلیل است که نیت‌کردن عملی که مکلف می‌دانـد قادر بر انجام آن نیست، بی‌معناست (۳۷۶/۱۲). ایشان همچنین در حکم به جواز عدول ابتـدایی، تمسـک به قاعدۀ میسور را ممکن دانسته است (۳۷۷/۱۲).

از فقهای معاصر نیز امام خمینی (۴۰۸/۱)، قائل به جـواز و آیت‌اللـه شـبیری زنجـانی (۵۰) قائـل بـه وجوب عدول ابتدایی است.

ب. نپذیرفتن عدول ابتدایی: کلمات شهید اول ظهور در این دارد که مکلف نمی‌تواند از همان ابتدا بـه نیت حج افراد محرم شود، زیرا ایشان برای عذرِ مجوز عدول از تمتع به افـراد، بـه خـوف حـیض مقـدم بـر طواف مثال زده است؛ بدین معنا که اگر مکلفی که وظیفه‌اش تمتع است به نیـت عمـرۀ تمتـع محـرم شـد، بترسد قبل از انجام طواف دچار قاعدگی شود، بعد از احرام می‌تواند نیت خود را به حـج افـراد تبـدیل کنـد (شهید اول، ۳۳۲/۱). از کلمات مقدس اردبیلی نیز این معنا درخورِ استفاده است (۲۰/۶). البته اگر کاربرد عدول در کلمات این دو فقیه بزرگوار را مطلق و شامل عدول ابتدایی نیـز بـدانیم، ازآنجاکـه خـوف حـیض می‌تواند قبل از احرام نیز محقق باشد، جواز عدول ابتدایی از این کلمات درخورِ استفاده است.

محقق خویی از افرادی است که جواز عدول ابتدایی را بعید می‌داند و معتقد است متبادر به ذهـن ایـن است که این حکم، مختص به جاهلِ به ضیق وقت است، زیرا در فرض علم به ضیق وقت، دلیلی بر عدول ابتدایی قبل از داخل‌شدن در اعمال عمره نیست و روایات عدول نیز همگی در خصوص عدول در اثنا و بعد

از داخل‌شدن در عمره وارد شده است (موسوعة الامام الخوئی، ۲۴۰/۲۷).

در نقد کلمات محقق خویی می‌توان گفت: روایات عدول، دربارهٔ عدول در اثنا و بعد از داخل‌شدن در عمره و پیشامد قاعدگی وارد شده است؛ اما به‌طور قطع می‌توان ادعا کرد که ملاک جواز عدول در این روایات، علم به ضیق وقت است، به‌خصوص اگر در نظر داشته باشیم در اعصار گذشته و به‌ویژه در عصر معصومان(ع) به‌دلیل اینکه مسافرت با اسب و شتر و امثال آن انجام می‌گرفت، غالباً شخص نمی‌توانست هنگام احرام‌بستن به‌طور یقینی زمان رسیدن به مکه و انجام عمره را پیش‌بینی کند. بنابراین، اگر در برخی از این روایات، پرسش از جواز عدول راجع به بانویی است که به‌قصد انجام عمرهٔ تمتع وارد مکه و سپس دچار قاعدگی شده است، ازاین‌روست که غالباً علم به ضیق وقت در آن زمان برای مکلف حاصل می‌شده است، به‌خصوص اینکه فاصلهٔ میقات‌ها تا مکه و نیز افراد حائض ازنظرِ حکم و مدت زمان قاعدگی یکسان نبوده و نیست.

نتیجه اینکه کلام محقق خویی پذیرفتنی نیست و مستفاد از روایات این است که علم، موضوع برای ثبوت تکلیف عدول است. بنابراین باید گفت: تفاوت عالم و جاهل به ضیق وقت در این است که جاهل به ضیق وقت در زمان احرام به وظیفه‌اش که احرام به نیت تمتع است عمل می‌کند و پس از علم پیداکردن به ضیق وقت می‌تواند نیت خود را به حج افراد تبدیل کند. اما عالم به ضیق وقت، از همان ابتدا می‌تواند به نیت حج افراد محرم شود. البته در هر دو صورت چنانچه برای مکلف کشفِ خلاف شود، باید نیت خود را به عمرهٔ تمتع مبدل کند (شبیری زنجانی، ۵۰).

باتوجه‌به مطالب بیان‌شده روشن شد، حق به جانب فقیهانی است که معتقدند مکلف در فرض مزبور می‌تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد مُحرم شود.

۳. ۲. ابتلا به بیماری در مکه بعد از انجام عمرهٔ تمتع

اگر مکلف در میقات به نیت عمرهٔ تمتع مُحرم و برای انجام اعمال راهی مکه و مسجدالحرام شود و پس از انجام عمرهٔ تمتع، متوجه ابتلا به بیماری مسری مانند کوید ۱۹ شود، همان‌گونه که گذشت یا به نوع حاد بیماری مبتلا شده است که نیاز به بستری‌شدن و استراحت دارد یا به‌نوع خفیف آن مبتلا شده است که به‌خودی‌خود مانع از انجام مناسک حج نیست و در هر دو فرض، چنانچه تا فرارسیدن زمان حج و درک وقوف اختیاری یا اضطراری عرفه بهبودی برایش حاصل شود، می‌تواند به نیت انجام اعمال و مناسک حج تمتع محرم شود و به عرفات برود (سبحانی، ۴۳۷/۲). اما اگر تا آن زمان، بهبودی حاصل نشد، در این صورت چه مکلف به‌نوع حاد و چه نوع خفیف از این بیماری مبتلا شده باشد، چنانچه امکان حضور برای وی در عرفات میسّر باشد به اینکه بتواند در خیمه‌ای جدا از سایر حجاج، در سرزمین عرفات حاضر شود،

لازم است بدین شیوه وقوف واجب در عرفات را انجام دهد، اما چنانچه به‌علت بـدحالی و گرمـا و کمبـود امکانات نتواند تمام مدت را در عرفه بماند و فقط توان انجام مقدار رکنی وقـوف را داشـته باشـد، به‌صـرف حضور و توقف مدت زمان ممکن، می‌تواند واجب خود را انجام دهـد، مثـل اینکـه نزدیـک بـه غـروب در عرفات حاضر شود و مسمای وقوف را درک کند و چنانچه به این مقدار نیز نتواند، صحت حجش متوقف بر درک وقوف اضطراری عرفات در شب عید قربان است.

چنین فردی پس از درک مسمای وقوف اختیاری یا وقوف اضطراری عرفه، می‌تواند پس از توقفی کوتـاه در سرزمین مشعرالحرام، قبل یا بعد از نیمۀ شب عید قربان برحسب اختلافی که وجود دارد در منـا حاضـر شود و شبانه رمی جمرۀ عقبه را انجام دهد و برای انجام قربانی نایب بگیرد و پس از آن به مکه رود. در ایـن صورت، چنانچه روز عید قربان بتواند به منا باز گردد، باید در منا حلق یـا تقصـیر را انجـام دهـد. امـا اگـر امکان حضور ایمن برای وی در منا وجود نداشته باشد، می‌تواند در مکه حلق یا تقصیر کند و موهای خـود را برای دفن‌کردن به منا بفرستد.

همچنین فرد مبتلا به نوع خفیف بیماری نیز چنانچه امکان حضور ایمن وی در بین حجاج وجود داشته باشد، پس از وقوف به عرفات باید به مشعرالحرام رود و وقوف واجب در سرزمین مشعر را انجام دهد و پس از آن چنانچه امکان انتقال ایمن وی مانند سایر حجاج به منا وجود داشته باشد، در منا مستقر می‌شود.

لکن ازآنجاکه امکان رمی روز عید قربان و حضور در محل رمی برای وی وجود ندارد، باید برای رمـی و سپس قربانی نایب بگیرد و سپس حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود.

بیتوته در منا در هر دو فرض چنانچه ممکن نباشد، از مکلف ساقط است و انجام رمی در روز یازدهم و دوازدهم باید به‌صورت نیابی انجام گیرد. البتـه لازم اسـت بـه‌دلیل تـرک بیتوتـه در منـا بـه‌ازای هـر شـب، گوسفندی را قربانی کند (خویی، المعتمد، ۳۸۹/۵؛ هاشمی شاهرودی، ۶۳/۵؛ فیاض، ۶۲۴) مگر اینکـه شب را در مکه به عبادت بگذراند (افتخاری، ۶۱۴/۱). چنین افرادی مجازند اعمال مکه (خمینی، ۴۵۲/۱) یا طواف زیارت، نماز و سعی (شبیری زنجانی، ۲۹۴) را در صورت امکان، بر وقوفین مقـدم سـازند، مگـر اینکه امکان حضور ایمن برای آنان در مسجدالحرام فراهم نباشد. در این فرض بایـد تـا حصـول بهبـودی، انجام اعمال مکه را به تأخیر اندازند.

۳. ۳. ابتلا به بیماری حین انجام مناسک حج

حکم چنین فردی باتوجه‌به زمان اطلاع از ابتلا به بیماری متفاوت است؛ بدین معنا که اگر بعد از احرام حج و قبل از رسیدن به سرزمین عرفات یا هنگام حضور در سرزمین عرفات از ابـتلای خـود اطـلاع یابـد، چنانچه مریضی او به‌گونه‌ای باشد که بتواند به‌طور معمول، وقـوف واجـب خـود را در سـرزمین عرفـات و

مشعرالحرام مانند سایر حجاج ولی جدای از آنان انجام دهد یا بتواند وقوف اختیاری عرفه (رکنی یا واجب) و اضطراری شبانهٔ مشعر (سبحانی، ۴۳۸/۴) یا اضطراری عرفه و اضطراری شبانهٔ مشعر را درک کند (همان)؛ حج او صحیح است. اما چنانچه بیماری حاد بوده و امکان انجام وقوفین نباشد، باید به عمرهٔ مفرده عدول کند و تا زمانی که شرایط استطاعت برای وی مجدداً فراهم نشود، حج بر وی واجب نمی‌شود (همان، ۴۲۱). همچنین اگر وضعیت بیماری او به‌گونه‌ای باشد که فقط بتواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند و امکان ادامهٔ حضور در مشعرالحرام را نداشته باشد، مطابق با روایات و اصح اقوال در این زمینه، حجش صحیح است (همان، ۴۵۲).

باتوجه‌به آنچه بیان شد، فرد مبتلا به بیماری اگر بتواند وقوف واجب را مطابق صور مذکور انجام دهد، چنانچه امکان حضور در منا و ادامهٔ مناسک برایش فراهم باشد، مانند سایران عمل می‌کند و البته باید برای رمی و قربانی نایب اختیار کند، اما اگر امکان ادامهٔ حضور در منا پس از وقوف اضطراری شبانهٔ مشعر را ندارد، باید برای انجام رمی و قربانی، نایب اختیار کند و پس از انجام حلق یا تقصیر در مکه یا محلی که در خارج از منا بستری شده است، موهای خود را به منا بفرستد (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۳۳۵/۵؛ همو، مناسک الحج، ۲۲۹). در این فرض همان‌گونه که بیان شد، بیتوتهٔ منا بر وی واجب نیست و برای رمی روزهای یازدهم و دوازدهم باید نایب بگیرد و پس از بهبودی اعمال مکه را انجام دهد.

۴. چگونگی انجام مناسک و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی پیشگیرانه

ازآنجاکه در بیماری‌های مسری مانند کووید ۱۹، خطر سرایت بیماری و ابتلای دیگران بسیار زیاد است و تاکنون نیز راه‌حل قطعی برای درمان آن شناخته نشده است، باید تاحد امکان با رعایت دستورالعمل‌های توصیه‌شدهٔ کارشناسان و متخصصان بهداشتی از سرایت این بیماری پیشگیری کرد. یکی از راه‌های پیشگیری از ابتلا و سرایت و شیوع این‌گونه بیماری‌ها، رعایت فاصله از یکدیگر است. بنابراین با این نگاه باید چگونگی انجام اعمال عمره و حج را با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی بررسی کنیم.

بدیهی است امکان رعایت فاصله هنگام حضور در مواقیت برای حجاج وجود دارد و برای این منظور کافی است تا حجم ورودی کسانی که وارد مسجد جحفه یا شجره و سایر مواقیت می‌شوند کنترل شود تا حجاج بتوانند با فاصلهٔ لازم از یکدیگر در مسجد حضور یابند و با گفتن لبیک محرم شوند.

ازآنجاکه طواف در مسجدالحرام در محیط باز نیز انجام می‌شود، با رعایت فاصله در هنگام طواف بین زائران و مشخص‌کردن خط سیر برای آنان به دور کعبه، امکان طواف ایمن وجود دارد. بدیهی است چنانچه ضرورت، ایجاب کند، طواف در خارج از فاصلهٔ بین کعبه و مقام ابراهیم(ع) نیز در این فرض بدون اشکال

است، زیرا یا معتقد هستیم که طواف حد خاصی ندارد یا قائل به لزوم انجام طواف در محدودهٔ کعبه تا مقام ابراهیم(ع) هستیم که مطابق با روایات و فتاوای فقها، طواف خارج از این محدوده در فرض ضرورت بدون اشکال است.

انجام سعی در مسعا نیز با کنترل جمعیت ورودی به مسعی و رعایت فاصلهٔ بین حجاج، ممکن است.

حضور در سرزمین عرفات و مشعرالحرام نیز با ایجاد محدودیت در تعداد حجاج و استقرار آنان در خیمه‌ها با رعایت فاصلهٔ مناسب از یکدیگر ممکن است، به‌خصوص اینکه مدت زمان حضور حجاج در عرفات، کوتاه است و در سرزمین مشعر، استقرار حجاج در فضای آزاد صورت می‌گیرد. اما ازآنجاکه محدودهٔ اختصاص‌یافته به هریک از کشورهای اسلامی در منا ظرفیت زیادی برای گنجایش حجاج را ندارد و از طرفی مدت زمان حضور حجاج در منا نیز بیش از سرزمین عرفات و مشعر است و خیمه‌های موجودِ فعلی در منا نیز سقفی کوتاه دارد و غالباً از تهویهٔ مناسب برخوردار نیست، چنانچه اسکان ایمن و محدود حجاج در خیمه‌های منا وجود داشته باشد یا حجاج بتوانند خارج از خیمه و در فضای باز، نیمی از شب را در منا بگذرانند؛ بیتوته در منا واجب خواهد بود. اما اگر احتمال سرایت بیماری و خطر ابتلا به آن نزد عقلا درخورِ توجه و معتدٌبه باشد و امکان حضور ایمن در هیچ فرضی ولو به‌طور محدود در منا برای حجاج وجود نداشته باشد، خوف جانی سبب اسقاط وجوب بیتوته می‌شود. البته لازم است به‌ازای هر شبی که بیتوته ترک می‌شود گوسفندی قربانی کند، مگر اینکه شب را به عبادت در مکه سپری کنند. در این صورت برعهدهٔ حجاج است که در هر روز به منا بیایند و پس از انجام رمی، منا را ترک کنند. البته در صورت امکان، کوچ از منا در روز دوازدهم باید بعدازظهر صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. از اطلاق آیهٔ شریفهٔ: «...وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیهِ سَبِیلًا...» و نیز از روایات مبیّن استطاعت چنین استفاده می‌شود که توان جسمی برای پیمایش مسیر (ابتدای اعزام به حج) و انجام اعمال در زمان خودش، شرط تحقق استطاعت بدنی برای تعلق وجوب حج برعهدهٔ مکلف است و اگر ابتلا به بیماری در مکه اتفاق افتد، به‌گونه‌ای که مانع از انجام اعمال و مناسک حج شود و زمان از دست برود؛ ابتلا به بیماری کاشف از عدم‌استطاعت مکلف است و چنانچه مکلف مُحرم شود و بیماری مانع از ورود او به مکه و انجام عمره یا حج شود، مصداق محصور می‌شود.

۲. اگر مکلف بعد از ورود به مکه و قبل از انجام عمرهٔ تمتع به بیماری مبتلا شود، باید تا حصول

بهبودی انتظار بکشد. در این صورت اگر بعد از بازیافت سلامتی، فرصت انجام عمرهٔ تمتع داشت؛ اعمال عمره را انجام می‌دهد، وگرنه باید به نیت حج افراد مُحرم شود. همچنین اگر در میقات متوجه ابتلا به بیماری شود و بداند تا آخرین زمان ممکن فرصت انجام عمرهٔ تمتع نمی‌یابد، مطابق با اصح اقوال می‌تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد مُحرم شود.

۳. اگر مکلف بعد از مُحرم‌شدن برای انجام حج تمتع متوجه ابتلا به بیماری شد، چنانچه بتواند اعمال و مناسک حج را ولو با جداشدن از سایر حجاج انجام دهد؛ حج او مجزی است. البته برای انجام رمی و قربانی به‌علت عدم‌امکان حضور در محل رمی و قدرت‌نداشتن بر قربانی لازم است نایب اختیار کند. همچنین چنانچه امکان حضور ایمن در منا را نداشته باشد، وجوب بیتوته در منا ساقط می‌شود.

۴. اگر ابتلا به بیماری بعد از مُحرم‌شدن برای انجام حج تمتع حاد بود، به‌طوری که مکلف فقط بتواند وقوف اختیاری عرفه یا اضطراری عرفه و اضطراری شبانه مشعر را درک کند؛ حج او صحیح است و ادامهٔ مناسک با انتخاب نایب صورت می‌پذیرد.

۵. انجام اکثر اعمال و مناسک حج با رعایت فاصله و کنترل مقدار جمعیت ورودی در مسجدالحرام، مسعی، محل رمی و سایر اماکن ممکن است و خللی را به اعمال و مناسک حج وارد نمی‌سازد، اما اگر امکان اسکان ایمن حجاج در سرزمین منا وجود نداشته باشد، به‌طوری‌که خوف خطر جانی و ابتلا به بیماری، عقلایی و درخورِ توجه باشد؛ بیتوته در منا واجب نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ‌دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ‌دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

ـــــــــــــــــ، المقنع، چاپ‌اول، قم: امام هادی(ع)، ۱۴۱۵ق.

افتخاری، علی، آراء المراجع فی الحج، چاپ‌دوم، تهران: مشعر، ۱۴۲۸ق.

آملی، محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، چاپ‌اول، تهران: مؤلف، ۱۳۸۰ق.

بحر العلوم، سید مهدی، الفوائد الرجالیه،چاپ اول، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۵ق.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ‌اول، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ق.

حلی، حسن بن علی بن داوود، رجال داوود،چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران،۱۳۸۳ق.

خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیلة، چاپ‌اول، قم: دار العلم، بی‌تا.

خویی، ابوالقاسم، المعتمد فی شرح المناسک، چاپ‌اول، قم: مدرسهٔ دار العلم، ۱۴۱۰ ق.

__________، موسوعة الامام الخوئی، چاپ‌اول، قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی(ره)، ۱۴۱۸ق.

زین‌الدین، محمدامین، کلمة التقوی، چاپ‌سوم، قم: سیدجواد وداعی، ۱۴۱۳ق.

سبحانی، جعفر، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، چاپ‌اول، قم: امام صادق(ع)، ۱۴۲۸ ق.

شبیری زنجانی، موسی، مناسک الحج، چاپ‌اول، قم: مؤسسة الولاء للدراسات، ۱۴۲۱ق.

شهید اول، محمدبن‌مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، چاپ‌دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ‌هفتم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، فقه الحج، چاپ‌دوم، قم: مؤسسهٔ حضرت معصومه(س)، ۱۴۲۳ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ‌پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

طوسی، محمدبن‌حسن، المبسوط فی فقه الامامیة، چاپ‌سوم، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق.

علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، تذکرة الفقهاء، چاپ‌اول، قم: آل البیت(ع)، ۱۴۱۴ق.

فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، کتاب الحج، چاپ‌اول، قم: مرکز فقهی ائمهٔ اطهار، ۱۴۱۸ق.

__________، مناسک الحج، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

فیاض، محمداسحاق، تعالیق مبسوطة علی مناسک الحج، چاپ‌اول، قم: محلاتی، بی‌تا.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ‌چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

محقق سبزواری، محمدباقربن‌محمدمؤمن، ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد، چاپ‌اول، قم: آل البیت(ع)، ۱۲۴۷ق.

مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن، الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقلید،چاپ اول، قم: انصاریان، ۱۴۱۲ق.

مظاهری، منصور، مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید، چاپ‌سیزدهم، قم: مشعر، ۱۳۹۷.

مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الصادق علیه السلام، چاپ‌دوم، قم: انصاریان، ۱۴۲۱ق.

مقدس اردبیلی، احمدبن‌محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ‌اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ق.

موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام، چاپ اول، بیروت: آل البیت،۱۴۱۱ق.

نجاشی، أبوالحسن احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ اول، قم: آل البیت، ۱۴۱۵ق.

هاشمی شاهرودی، محمود، کتاب الحج، چاپ‌اول، انصاریان، ۱۴۰۲ق.

یزدی، محمدکاظم‌بن‌عبدالعظیم، العروة الوثقی (محشی)، چاپ‌اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.